



## انسان خلیفه خداوند است و در گنجینه‌های ملک و ملکوت نفوذ دارد

حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی دعای سحر را شرح داده است و از محتوای کتاب و عبارات آن بخوبی می‌توان دریافت که ایشان در سنین جوانی یک عارف سالک و در عین حال یک ادیب اهل قلم بوده است.

حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی دعای سحر را شرح داده است و از محتوای کتاب و عبارات آن بخوبی می‌توان دریافت که ایشان در سنین جوانی یک عارف سالک و در عین حال یک ادیب اهل قلم بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، در کتاب «مسند الإمام الرضا (ع)»، به نقل از سید بن طاووس با راویان مختلف از علی بن یقین نقل کرده است که او در نامه ای از حضرت امام رضا علیه السلام خواست که عبارات دعای سحر را تصحیح فرماید. امام پذیرفت و به او نوشت که این دعای امام محمد باقر علیه السلام است که در سحرهای ماه رمضان می‌خوانده است. بعد امام رضا (ع) از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود که امام باقر فرموده در خواندن این دعا کوشش و دقت کنید و دوست داشته که بگوید اسم اعظم الهی در این دعا است؛ پس در خواندن آن با دقت بکوشید. در مفاتیح الجنان نیز همین موضوع از طریق حضرت امام رضا نقل شده است که فرموده اند حضرت امام باقر علیه السلام آن را در سحرهای ماه رمضان می‌خوانده اند.

حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی این دعای پر مضمون را شرح داده است و از محتوای کتاب و عبارات آن بخوبی می‌توان دریافت که ایشان در سنین جوانی یک عارف سالک و در عین حال یک ادیب اهل قلم بوده است. در ادامه قسمت نخست شرح دعای سحر حضرت امام خمینی به نقل از ترجمه فارسی این کتاب تقدیم نگاه مخاطبان می‌شود:

دعاهایی که از خزائن وحی و شریعت و حاملان علم و حکمت به ما رسیده از بزرگ ترین نعمت های خداوند بر بندگان و از جمله رحمت واسعه او بر شهرها و دیارها است؛ زیرا این دعاها پیوند معنوی میان خالق و مخلوق، رشته میان عاشق و معشوق، وسیله ورود به دژ محکم خداوند، و عامل تمسک به عروة الوثقی و حبل المتین اند. اما روشن است که رسیدن به این غرض نهایی و مقصد والا جز به قدر توان آدمی در توجه به معنای ادعیه و قدرت او در فهم اسرار و حقیقت آن ها ممکن نیست.

در این میان، من دعای مشهور مباحله را که از ائمه اطهار، علیهم السلام، به منظور توسل به حضرت نورالانوار در سحرگاهان به ما رسیده از دعاهایی یافتم که قدرش بسی جلیل و منزلتش بسی رفیع است، زیرا مشتمل بر صفات حسنای الهی و امثال علیای ربوبی است و اسم اعظم و تجلی اتمّ اقدم پروردگار در آن آمده است؛ لذا خواستم آن را از بعض جهات، با توانی اندک و دانشی ناچیز، به مقدار استعداد خویش شرح دهم؛ اما حרבاء (آفتاب پرست) را به توصیف خورشید و خفاش را به نگرستن به نور آنچه کار؟ با این حال، به قول آن شاعر استناد کرده و به راستی می گویم:

جائت سلیمان یوم العید قبرة أتت بفخذ جراد کان فی فیها

ترنمت بفصیح القول و اعتذرت ان الهدایا علی مقدار مهدی ها

روز عید، مرغی کوچک نزد سلیمان آمد در حالی که ران ملخی در دهانش بود. پس عذر خواست و با بیانی گویا گفت: ارزش هدیه مناسب حال و به قدر توان آورنده آن است. اینک، سخن خویش را با طلب توفیق از پروردگار مهربان و استمداد از ارواح مطهر و انفاس پاکیزه انبیای عظام و اولیای کرام، علیهم السلام، آغاز می کنم.

اللهم إني أسئلك من بهائك بابهاه وكلّ بهائك بهي.

اللهم إني أسئلك بهائك كته&hellip;

خداوندا، از تو درخواست می کنم به زیباترین زیبایی های تو زیباست. خداوندا از تو درخواست می کنم به همه زیبایی ات.

ای عزیز، لازم است بدانی که انسان تنها موجودی است که دارای همه مراتب عقلی و مثالی و حسنی است و عوالم غیب و شهادت در او نهفته است. خداوند متعال می فرماید:

«وعلم آدم الأسماء كلها؛ بقره / ۳۱. و خداوند همه نام‌ها را به آدم آموخت».

و سرور ما و سرور یگانه پرستان، صلوات الله علیه، می گوید:

أزعم أنك جرم صغير وفيك انطوى العالم الأكبر (شرح دیوان منسوب به امیرالمومنین، قاضی میر حسین میبیدی، ص ۲۶۹)

آیا می پنداری همین جرم کوچکی، در حالی که جهانی بزرگ در تو نهفته است؟

آری، انسان با مُلک مُلک است و با ملکوت ملکوت و با جبروت جبروت. از امام علی و امام صادق، علیهماالسلام، نیز روایت شده است که:

إعلم أنّ الصورة الإنسانية هي أكبر حجج الله على خلقه وهي الكتاب الذي كتبه بيده وهي الهيكل الذي بناه بحكمته وهي مجموع صورة العالمين وهي المختصر من اللوح المحفوظ وهي الشاهد على كل غالب وهي الطريق المستقيم إلى كل خير والصراف المدود بين الجنة والنار

صورت انسان بزرگ ترین حجت های الهی بر آفریدگان است و آن کتابی است که خداوند با دست خود آن را نوشته و هیکلی است که با حکمت خویش آن را بنا نهاده است. انسان مجموعه صورت جهانیان و مختصری از لوح محفوظ و شاهد هر غالبی (غایبی) است. او راهی راست به سوی همه خوبی‌ها و صراطی است که میان بهشت و جهنم کشیده شده است».

انسان خلیفه خداوند بر خلق اوست که بر صورتی الهی آفریده شده و در سرزمین های او تصرف می کند. او به خلعت اسماً و صفات حق مشرف گشته، در گنجینه های ملک و ملکوت نفوذ دارد و در او روحی از حضرت الهی دمیده شده است. ظاهر او نسخه ملک و ملکوت و باطن او گنجینه حیّ لایموت است. از آنجا که انسان دربردارنده همه صورت های کونی و الهیه است، تربیت یافته اسم اعظم که بر همه اسماء و صفات احاطه و بر همه رسم‌ها و تعین‌ها حاکمیت دارد است.

از سویی، چون حضرت الهی پرورنده انسان جامع کامل است، سزاوار است انسان پروردگارش را به نامی بخواند که مناسب مقام پروردگار باشد و در عین حال، انسان را از آنچه با او سازگار نیست حفظ کند. برای همین است که از شیطان رحیم به [نام مبارک] «الله» پناه برده می شود نه به دیگر نام های الهی، و طبق فرموده پروردگار در « قل أعوذ بربّ الناس» از شر و بدی و سوسه ای که در سینه انسان است و از سوسه کننده راهزن راه معرفت سرچشمه می گیرد و با کمال و مرتبه انسانی سازگار نیست به «ربّ الناس» پناه برده می شود.

انسان وجود جامعی است که همه مراتب وجود در انحصار اوست

عارف کامل، جناب کمال الدین عبدالرزاق کاشانی در تأویلات می گوید:

الإنسان هو الكون الجامع الحاصر لجميع مراتب الوجود. فرّبه الذي أوجده فأفاض عليه كماله هو الذات باعتبار جميع الأسماء بحسب البداية المعبر عنه ب «الله»، ولهذا قال تعالى: ما منعك ان تسجد لما خلقت بيديّ ، بالمتقابلين كاللطف والقهر والجلال والجمال الشاملين لجميعها

انسان وجود جامعی است که همه مراتب وجود در انحصار اوست. و کسی که او را خلق کرده و کمال انسانی را به او ارزانی داشته ذاتی است که به اعتبار این که جامع همه اسماء و مبدأ وجود است «الله» نامیده می شود. از این رو، خدای تعالی [به ابلیس] فرمود: چه چیز تو را بازداشت از این که بر آنچه به دو دست خویش آفریدم سجده کنی؟ که منظور از دو دست، صفات متقابل مانند لطف و قهر و جمال و جلال الهی است که شامل همه اسماء است».

پس، آن که متکفل است انسان را از اسفل السافلین و دوزخ تاریک به جایگاه کرامت و امن الهی باز گرداند و از تاریکی‌ها به نور برساند و از راهزنان راه سلوک حفظ کند خداوند است، هم چنان که خود می فرماید:

الله وليّ الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات إلى النور

خداوند سرپرست کسانی است که ایمان می آورند و اوست که آنان را از تاریکی‌ها خارج کرده به نور می رساند.

پس، سالکی که با پای معرفت به سوی حق حرکت می کند همانند مسافری است که راهی وحشتناک و تاریک را به سوی محبوب خویش می پیماید. راهزن این راه شیطان است و خداوند تعالی به سبب اسم جامعش که بر همه چیز احاطه دارد حافظ آدمی است. از این رو، دعاکننده و سالک چاره ای ندارد مگر این که با لفظ «اللهم» یا «یا الله» به حافظ و پرورش دهنده خود توسل کند و به پیشگاه او تضرع نماید و این است سرّ شروع بیشتر دعاها با این عبارات. البته، از منظری دیگر، تمسک به اسماً دیگر الهی نیز نیکوست، زیرا همه تعینات اسمائی و صفاتی در احادیث جمع مستهلک اند. (در ادامه، درباره سرّ الثفات دعاکننده از اسماً و صفات برتر پروردگار به اسماً و صفاتی که درجه پایین تری دارند، مانند این فقره از دعا: «وکل بهائک بهی» و فقرات مشابه دیگر، مطالبی خواهیم آورد).

واضح است که این سخن دعاکننده برای اثبات منیّت نیست، زیرا منیّت با درخواست نمی سازد، بلکه این عبارت (اّئی اسئلک) مانند کلام خداوند بلندمرتبه است که می فرماید: «أنتم الفقراء الی الله؛ شما نیازمند به خدا هستید». چرا که جدایی آدمیان (به فرض استقلال انتم) از ذات حق نشانه بی نیازی آن ها از خداست نه نیاز و احتیاجشان به او. نتیجه آن که آنچه با سلوک در راه حق ناسازگار است، اثبات استقلال و بی نیازی است، مانند لفظ انتم در این آیه: «إن هی الا أسماء سمّیتوها أنتم؛ این نیست جز نام هایی که شما آن ها را برگزیده اید».

اما اثبات منیّت در مقام خواری و اظهار ناداری نه تنها نکوهیده نیست (چون از باب اثبات منیّت نیست و از باب انتم در آیه مبارکه انتم الفقراء الی الله است)، بلکه اگر موجب حفظ مقام بندگی و توجه به فقر و نیاز در بیداری دوم (صحو ثانی) باشد، از بالاترین مراتب انسانیت است. در سخنی که از پیامبر، صلی الله علیه وآله، روایت شده به همین مساله اشاره شده است: «کان أخی موسی، علیه السلام، عینه الیمنی عمیاء، وأخی عیسی، عینه الیسری عمیاء، وأنا ذوالعینین؛ برادرم موسی چشم راستش و برادرم عیسی چشم چپش نابینا بود، ولی من دارای دو چشم [بینا] هستم». پس، حفظ مقام کثرت در وحدت و وحدت در کثرت برای هیچیک از پیغمبران و رسولان الهی میسر نشده مگر برای خاتم پیغمبران (به اصالت) و برای جانشینان آن حضرت (به تبعیت)؛ درود خدا بر او و بر جانشینانش باد.

اسئلک (از تو درخواست می کنم)

درخواست اگر با زبان استعداد باشد رد نمی شود و چنین دعایی مقبول و مستجاب خواهد شد، زیرا اجابت کننده درخواست وجودی تامّ و فوق تمام است و فیض او کامل و فوق کمال است. عدم ظهور فیض و افاضه او به علت کمی استعداد در دعاکننده است و اگر شخص واقعاً مستعد پذیرش فیض باشد، پروردگار او را از خزائنی که بی پایان و فناپذیر است و معادنی که تمام نشدنی و نقصان ناپذیر است بهره مند می سازد.

بنابراین، سزاوار است دعاکننده در پاکیزگی باطن و پالایش قلب خود از پلیدی ها و صفات رذیله بکوشد تا دعایش از زبان گفتار به زبان حال، و از زبان حال به زبان استعداد، و از ظاهر به باطن سرایت کند و خواسته اش برآورده شود و به مقصود برسد.

تو هم بکوش درونت دعاکننده و باطنت طالب باشد تا درهای ملکوت بر قلبت گشوده شود و اسرار جبروت بر درونت فاش شود و کشتی عقلت در دریاها خیر و برکت به راه افتد و به ساحل نجات رسد و تو را از گرداب هلاکت نجات دهد و با دو بال از این سرای ظلمانی و دیار بدبختی به عالم انوار پرواز کنی. لذا، از این که هدفت از [توسل به] این صفات حسنی و امثال علیا که آسمان ها و زمین به آن ها استوارند و همه عوالم به نور آن ها روشن اند رسیدن به شهوات پست و لذت های فانی و پوسیده و مقاصد حیوانی و کمالات چهارپایان و درندگان باشد پرهیز کن. به عکس، در طلب کرامات الهی و انوار عقلی و کمالاتی که لایق [مقام] انسان، بما هو انسان، است و بهشت هایی که عرض آن به اندازه عرض آسمان ها و زمین است بکوش. البته، [آنچه گفتیم] از ابتدای سیر و سلوک صادق است، زیرا «حسنات الأبرار سیئات المقربین».

بنابراین، عارف کامل کسی است که قلب خود را هیولا برای صورت هایی قرار دهد که محبوب آن ها را بر قلب او وارد می کند و نباید هیچ صورت و فعلیتی [از جانب خود] مطالبه کند و از هر دو هستی بگذرد و از هر دو نشئه فراتر رود؛ چنان که عارف شیرازی می گوید:

در ضمیر ما نمی گنجد به غیر از دوست کس

هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

و در جای دیگر می گوید:

نیست در لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

این است حقیقت اخلاصی که در روایات به آن اشاره شده است:

«من أخلص لله أربعين صباحا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه؛ هر کس خود را چهل روز برای خدا خالص گرداند، چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می شود».

و در کافی از امام رضا، علیه السلام، نقل شده است که فرمود:

أنا أمير المؤمنين صلوات الله عليه كان يقول: طوبى لمن أخلص لله العبادة والدعاء ولم يشغل قلبه بما تری عيناه ولم ينس ذكر الله بما تسمع أذناه ولم يحزن صدره بما أعطى غيره

امیرالمومنین (ع) می فرمود: خوشا به حال کسی که عبادت و دعایش را برای خدا خالص کند و قلبش را به آنچه چشمش می بیند مشغول نسازد و یاد خداوند را به سبب چیزهایی که گوشش می شنود فراموش نکند و سینه اش به خاطر چیزی که به دیگری داده شده اندوهناک نگردد.

پس، مرگ بر بنده ای که ادعای بندگی کند و آقا و مولای خود را با اسماً و صفاتی که آسمان های ارواح و زمین های اشباح به آن ها استوار گشته بخواند و در عین حال، نیازهایش شهوات نفسانی و رذائل حیوانی و تاریکی هایی که یکی فوق دیگری است باشد و نیز ریاست های بیهوده و باطل و گشادگی دست در حکمرانی بر بلاد و تسلط یافتن بر بندگان را از خدا بخواهد.